



در مصائب ویرایش کاغذی

سید محمد حسین میرفرخانی | ویراستار

با وجود فراگیر شدن استفاده از رایانه در فرایند تولید کتاب، آیا ویرایش روی کاغذ همچنان منطقی است؟ برخلاف تصور بسیاری از ما ویراستاران، پاسخ شماری از ناشران به این پرسش مثبت است. به عنوان ویراستاری که از گذشته تا امروز کتاب‌هایی را روی کاغذ ویرایش کرده و می‌کند، در این یادداشت کوتاه، از تجربه شخصی‌ام در این باره خواهم گفت.

آنچه شخصاً در دفاع از ویرایش کاغذی شنیده‌ام عمدتاً چیزی فراتر از این دو گزاره یا گزاره‌هایی از این دست نبوده است:

۱. ویرایش روی کاغذ دقیق‌تر است (روی کاغذ چشم به اصطلاح کمتر می‌دود، تاروی نمایشگر، خصوصاً اگر متن روی کاغذی غیرسفید، مثلاً کرم‌رنگ ویرایش شود)؛

۲. ویراسته‌های کاغذی را راحت‌تر می‌توان سنجید و خصوصاً به تأیید پدیدآور (ان) رسانند، به‌ویژه اگر پدیدآور قدری سخت‌گیر باشد یا با رایانه و نرم‌افزارهای متن‌پرداز آشنایی چندانی نداشته باشد.

به تجربه دریافته‌ام که این گزاره‌ها را نه می‌توان مطلقاً پذیرفت و نه سراسر مردود دانست. در واقع، اگر بخواهم حرف آخر را همین اول بزنم، باید بگویم: انتخاب میان ویرایش کاغذی و رایانه‌ای به عوامل چندی وابسته است که هریک از این دو گزینه و حتی ترکیبی از آن‌ها را در موقعیت‌هایی موجه می‌سازد. باین حال، می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و به اختصار، برخی اشکالات ویرایش کاغذی را یادآور شوم.

مهم‌ترین اشکال فنی به نظر من این است که ویراستار عملاً از امکان «جست‌وجو» در متن محروم می‌ماند. به همین دلیل یک‌دست کردن

برخی تغییرات بسیار دشوار و گاه ناممکن می‌شود. برخی اشکالات متن را هم شاید از اساس نتوان تشخیص داد. همچنین اگر ویراستار بخواهد تغییراتی در سراسر متن اعمال شود (همان چیزی که آن را عموماً «دستور کلی» می‌نامیم)، در بیشتر موارد، امکان سنجش این تغییرات را نخواهد داشت و همین بر احتمال خطا می‌افزاید. (فکر می‌کنم بیشتر ما از اشتباهات خنده‌دار ناشی از دستورکلی خاطره‌ای داشته باشیم.) دیگر اینکه چون تغییرات مدنظر ویراستار را عموماً یکی دیگر از همکاران اعمال می‌کند، تعداد دست‌اندرکاران افزایش می‌یابد و همین یعنی طولانی‌تر شدن فرایند نشر و البته بیشتر شدن احتمال خطای انسانی. بگذریم از اینکه بعضی وقت‌ها لازم می‌شود فرد سومی بر اعمال تمام‌وکمال تغییرات نظارت کند و این جز نمونه خوانی مرسوم است. سر آخر هم بعضی وقت‌ها ویراستار مطمئن نمی‌شود که تغییرات مدنظرش به‌درستی در متن پیاده شده یا خیر، مگر اینکه خود دوباره متن را بررسی کند. یکی از این موارد که برای خود من نگرانی‌زاست، حرکت‌گذاری کلمات در عبارات و جملات عربی متن است که گاهی پس‌پیش شدن یا تغییر نابعایشان معنا را دگرگون یا حتی واژگون می‌کند.

از این‌ها گذشته، در ویرایش کاغذی معمولاً از هر کار، سه‌چهار نسخه یا حتی بیشتر پرینت گرفته می‌شود. بر آسیب‌های زیست‌محیطی این کار هم اگر چشم ببوشیم، که به نظر من البته نباید چنین کنیم، این حجم از کاغذ بسیار جاگیر است و خیلی وقت‌ها ناشران را به دردسر می‌اندازد. ضمناً امکان حفاظت از آن در برابر انواع آسیب‌های فیزیکی همیشه فراهم نیست. مشکل دیگر این شیوه ویرایش دشواری انتقال نسخه‌ها به‌ویژه در کارهای پر حجم است، آن‌هم در روزگاری که به هزارویک دلیل، بسیاری از عاملان نشر دورکار (تر) شده‌اند. پیداست که در ویرایش کاغذی، جابه‌جایی نسخه‌ها میان پدیدآور، ناشر، ویراستار، صفحه‌آرا و سایر دست‌اندرکاران لاجرم باید به‌صورت حضوری انجام بگیرد،

اخلاق در ویرایش

مریم مرشد | ویراستار

بی‌گمان برای موفقیت در هر کاری باید راه و رسم آن را آموخت. حرفه ویراستاری نیز از کارهایی است که انجام دادن درست آن در چرخه پژوهش و نگارش و نشر به بهره‌مندی از دانش ویرایش، سلیقه و قریحه‌ای خوش، حوصله‌ای وافر و اخلاقی بایسته نیازمند است تا بتوان در این مسیر موفق شد. این‌ها مکمل یکدیگرند و هر کدام بدون دیگری بی‌نتیجه خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین اصول حرفه ویراستاری امین بودن و داشتن وجدان کاری است؛ بدان معنی که ویراستار از سهل‌انگاری و شتاب بیهوده در اجرای کار پرهیزد و با تلاش به سر حد توان و با دقت ویرایش اثر را به سرانجام رساند. همچنین، ویراستار باید دیدگاه‌های اصولی و درست ویرایش را با قاطعیت به نویسنده یا ناشر بیان کند؛ البته هنگامی که برای مؤسسه و سازمان ویرایشی و یا پژوهشی کاری انجام می‌شود، باید بر پایه شیوه آن‌ها نکات ویرایشی رعایت شود، اما در برابر پافشاری نویسندگان برای اظهار و اعمال دیدگاه‌های شخصی قاطعیت لازم است.

افزون بر آن، رعایت نظم و انضباط کاری در امر ویرایش نیز سبب موفقیت ویراستار است و بر پایه این نظم و سامان می‌توان زمان مناسب برای تحویل کار را در نظر گرفت، که امر بسیار مهمی است، زیرا ویراستارانی که نظم زمانی ندارند، به اعتبار خود لطمه می‌زنند و در چرخه نشر نیز خلل ایجاد می‌کنند.

در نهایت، بیان این نکته خالی از لطف نیست که: «رابطه میان ویراستاران و پدیدآوران و ناشران رابطه فردی و جزئی نیست که نقض اصول و اخلاق در آن به مناسبات خصوصی میان اشخاص محدود باشد. تیغ ویراستار سیاست قاطع دستگاه نشر است و بریدن‌های همین تیغ، در موارد بسیار، تعیین‌کننده مرزهای فرهنگی است.»*

حال یا مستقیم یا به کمک پیک و پست. این کار، علاوه بر اینکه زمان‌بر و هزینه‌زاست، مشکلات خاص خود را دارد: از آسیب‌دیدگی نسخه‌ها گرفته تا درهم‌وبرهم شدن و حتی مفقود شدن آن‌ها.

تصور می‌کنم مشکلات ویرایش کاغذی به مواردی که برش مردم محدود نباشد و ویراستارانی که تجربه کار روی کاغذ دارند بتوانند بر این‌ها موارد دیگری هم اضافه کنند. به این ترتیب، شاید بهتر باشد این‌طور جمع‌بندی کنم: در بیشتر موارد، ویرایش رایانه‌ای به سود همه است. به همین خاطر چه بهتر که گزینه نخست ناشران باشد. با این حال، چنان‌که در ابتدا گفتم، ویرایش کاغذی را به دلایلی «نمی‌توان» و شاید «نباید» یکسره کنار گذاشت.



**مهم‌ترین اشکال فنی
ویرایش کاغذی به‌نظم
این است که ویراستار عملاً
از امکان «جست‌وجو» در
متن محروم می‌ماند.**

* عبدالحمید آذرنگ، «اخلاق در ویرایش و نشر»، ماهنامه کلک، شماره ۳۵ و ۳۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۱.

